نگرشی نوین به عبارت "اشتباه وتقصیر قاضی" در اصل ۱۷۱ قانون اساسی با مطالعه تطبیقی

چکیده:

مسئله جبران خسارت و التیام محکومیت ناروای محکومانی که به دلیل اشتباه یا تقصیر قضات پس از صدور و اجرای تمام یا قسمتی از آراء محکومیت، تحت عنوان اعاده دادرسی یا دیگر طرق اعتراض به رای،مورد تبرئه قرار گرفته و بی‌گناهی وناصواب بودن رای صادره علیه ایشان ثابت شده یکی از چالش‌هایی است که نظام های حقوقی محتلف را برای پاسخ به آن برانگیخته است. بطور کلی آنچه باعثِ اتخاذ رویکردهای مختلف نظام‌های حقوقی شده، اهمیت و ضریبی است که این نظام‌ها برای اصل استقلال قضات و مصونیت قضات و اصل لزوم جبران کامل خسارات و حمایت از قضاوت‌شوندگان قائل می باشند. در این مقاله با شیوه توصیفی و تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای تلاش خواهد شد ضمن تشریح اسناد بین المللی و مواضع کشورهای توسعه یافته در این خصوص، به این سئوال اساسی پرداخته شود که آیا وضعیت نظام حقوقی ایران در این مورد وضعیت مطلوبی با توجه به تصویب قوانین جدید همچون آیین دادرسی کیفری می‌باشد؟ هدف از این پژوهش دقت نظر و ارائه تفسیری همگون از قواعد و مقررات موجود، با اسناد بین المللی و نظام‌های پیشرفته دنیا می‌باشد تا علاوه بر حفظ استقلال و مصونیت قضات، راه هموارى پیش روى محکومان بی‌گناه و قضات قرار داده شود تا در جهت جبران خسارات وارده اقدامی منطقی و منطبق با قانون به عمل آید.

واژگان کلیدی: محکومیت ناروا؛ محکومان بی‌گناه؛ اشتباه قاضی؛ تقصیر قاضی؛ جبران کامل خسارات.

مقدمه

یکی از مواردی که تضمین کننده اصل آزادی افراد در نظام‌های حقوقی در دنیا می‌باشد اصل منع تعرض به آزادی افراد می‌باشد مگر اینکه به حکم قانون و از سوی محاکم قانونی، اجازه حبس و بازداشت افراد صادر شود. اما وجود این اصل به تنهایی باعث حفظ حقوق افراد نمی‌باشد چراکه به حکم عقل مسلم است که اگرچه نباید به آزادی افراد تعرض شود اما پیش می‌آید که فردی که جرمی انجام نداده است در مظان اتهام قرار گرفته و از سوی مقامات قضائی تحت تعقیب قرار گرفته و به زندان می-رود و در ادامه مشخص می‌گردد که نامبرده بی‌گناه است و به اصطلاح قرار منع تعقیف در مرحله تحقیقات صادر می‌شود؛ ممکن است به لحاظ ادله بدست آمده حتی مقام تعقیب نظر بر جرم داشته و در زمان رسیدگی در دادگاه، قاضی دادگاه اعتقاد داشته باشد نامبرده بی‌گناه بوده و رأی بر برائت صادر کند، حتی پیش می‌آید که دادگاه بدوی فرد را مجرم تلقی و حکم به محکومیت صادر می‌نماید اما در مقطع تجدیدنظر بر مبنای بازبینی در ادله ضمن نقض رأی محکومیت، حکم بر برائت صادر می‌شود و متهم مدتی را در این فاصله در زندان سپری کرده باشد. ممکن است دادگاه تجدیدنظر نیز رأیِ‌بدویِ‌محکومیت را

تأیید نموده و در ادامه با گذشت مدت زمانی ادله‌ای بدست آید که نشان دهنده بیگناهی فرد بوده و از طریق فوق‌العاده رأی نقض گردیده و بی‌گناهی متهمی ثابت گردد. همانگونه که در ادامه پژوهش اشاره خواهد شد این امر اختصاصی به محکومیت‌های کیفری نداشته و ممکن است در مورد محکومیت‌های حقوقی نیز جریان یابد. بطور مثال؛ چگونه ممکن است نظام جبران خسارتی را برای بازداشت شوندگانی که در مرحله تحقیقات مقدماتی، بازداشت شده و سپس قرار منع تعقیب یا حکم برائت ایشان صادر شده است را مطابق مواد ۲۵۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی نمود ولی از حکم ناروایی که علیه شخصی در یک دعوای حقوقی به دلیل تقصیر یا اشتباه قاضی صادر می‌شود و خساراتی که از این منظر بر او تحمیل می‌شود چشم پوشید؟!

در هر صورت نظام حقوقی‌ای پیشرفته است که در صورتی که به آزادی فردی یا حقوق مالی و حیثیت شخصی تجاوز گردید راهکاری برای جبران خسارت وی پیش بینی نموده باشد. اما در جبران خسارت معمولاً مابین اصل احترام به آزادی و حقوق افراد و اصل استقلال قضات[1]و مصونیت قضات[2] تعارضی در می‌گیرد که نظام‌های پیشرفته سعی می‌نمایند با احترام به این اصول جهت حفظ نظم و عدالت راهکار جبران خسارت را منطقی نمایند. در نظام حقوقی ایران نیز در اصل ۱۷۱ قانون اساسی جبران خسارت امری قطعی شناخته شده است اما راهکار و کیفیت جبران خسارت به قوانین عادی موکول شده است لذا در تغییرات قانون آیین دادرسی کیفری راهکاری برای این مطلب اندیشیده شده است که هرچند حوزه‌ای از خسارات مربوط به اشتباه و تقصیر قاضی را مورد پوشش قرار می‌دهد ولی این مقدار جزئی، پوشش‌دهنده تمامی حیطه‌های مربوط به محکومیت‌های ناروای حقوقی و کیفری نبوده و نیازمند گسترش بیشتر است.

پیش از این پژوهش، پژوهشگرانی با طرح جزئی این مسئله سعی در رفع نقایص و اجرای هرچه بهتر اصل ۱۷۱قانون اساسی از طریق ارائه تفسیری متفاوت از این اصل با استناد به دلایلی مانند اینکه چنانچه تقصیر مندرج در این اصل را تنها منصرف به تقصیرات عمدی ندانیم این امر باعث تعطیلی امر قضا و عدم اقبال جامعه به پذیرش این مسئولیت خطیرخواهد بود، داشته اند(صالحی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۴۵، صفایی‌وراضی، ۱۳۹۹: ۱۳۳-۱۳۵) ولی این تلاش‌ها در قالب پژوهشی مستقل در باب ارائه تفسیری که عنوان تقصیر را در اصل ۱۷۱ قانون اساسی به تقصیرات عمدی و در حکم عمد بداند و مابقی درجات تقصیر را ملحق به اشتباه، نبوده و برای این طرح این نظریه مبانی عقلی و حقوقی‌ای، ارائه نکرده‌اند. در این مقاله سعی شده است با ارائه مبانی عقلی و حقوقی مستحکمی، به وضعیت فعلی نظام حقوقی ایران در این خصوص و راهکاری که در عمل سنجیده‌تر و کاربردی‌تر می‌نماید پرداخته شود.

۱.پیش‌درآمدی بر موضوع

---

[1]- علی‌الظاهر این اصل، پرتوی از اصل مصون بودن دولت از اعمال حاکمیتی خود می‌باشد.

[2]- این دو اصل تفکیک شده اند چرا که اگر چه در موارد زیادی هم‌پوشانی دارند ولی نقاط اختلافی این دو اصل نیز محل توجه است.

در نظام حقوقی ایران،مهم‌ترین نص قانونی که درباره جبران خسارات وارده به محکومان‌بی‌گناه(اعم از حقوقی یا کیفری) وجود دارد اصل ۱۷۱قانون اساسی است که بیان می‌دارد:

«هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و درغیر این صورت خسارت به وسیله‌دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده‌حیثیت می‌گردد».

حکم(به ضم حاء) در لغت به معنای حکومت،امر، مثال فرمودن می باشد.(لغت‌نامه دهخدا).

همچنین این واژه به معنای ۱-امر،فرمایش ۲-داوری،قضاوت ۳- منشور،فرمان نیز معنا شده است.(لغت نامه معین).راغب اصفهانی نیز ریشه کلمه حکم را منعی که برای اصلاح وپیشگیری باشد می داند.(راغب الاصفهانی،بی‌تا: ۱۲۶)

حکم در منابع خارجی نیز به "حکم رسمی صادر شده در دادگاه یا در یک تحقیق"تعبیر شده است.(دیکشنری آنلاین آکسفورد)[3]

حکم در فقه نیز در یکی از تعاریف آن،رأی صادر شده از قاضی جهت فیصله دادن به همه یا بخشی از موضوع دعوا، مقابل فتوا تعبیر شده است.(موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی،۱۳۸۵: ۳۴۹ ج۳)

به لحاظ حقوقی، ماده ۲۹۹قانون آیین دادرسی مدنی مصوب۱۳۷۹حکم را چنین تعریف می‌نماید:

«چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود».

حقوق‌دانان ایرانی با توجه به این ماده، چهار ویژگی را برای "حکم" بر می شمارند:

۱- در امور ترافعی صادر شده باشد. ۲-از دادگاه صادر شده باشد. ۳-راجع به ماهیت دعوا باشد.

۴-قاطع دعواباشد.(شمس،۱۳۹۴: ۴۱۴-۴۱۸ ج۲).

علاوه بر موارد فوق، اگرچه در امور حسبی رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع دعوا نیست عنوان حکم در تصمیم دادگاه به کار نمی‌رود(مواد ۲۷-۲۸-۳۵-۳۶به بعد قانون امور حسبی) معذالک در بسیاری از موارد رسیدگی به امور حسبی مقنن لغت حکم را به کار برده است مانند حکم حجر در مواد ۶۴-۶۵ به بعد قانون مذکور. هچنین آراء فرجامی که در ماهیت دعوی و قاطع آن نمیباشند در اصطلاحات قضایی و مقنن عنوان حکم را گرفته‌اند.(ماده ۵۷۱-۵۷۷قانون آیین دادرسی مدنی

3- (VERDICT:an (official judgement made in court or at an inquest)

سابق)(جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۲۵۱) امّا چنانچه کمی بعدتر خواهیم دید واژه حکم در این اصل، معنایی گسترده‌تر از معنای آن در آئین دادرسی مدنی دارد.

درباره لفظ قاضی در این اصل دو دیدگاه وجود دارد :

دیدگاه نخست آن است که این واژه صرفا را در ارتباط با دادرسانی می داند که به صدور حکم می‌پردازند ودلایلی را بدین شرح ذکر می کنند اولا؛ اصل ۱۷۱قانون اساسی متخذ از روایات و نظر مشهور فقها می باشد که ایشان قاضی را در مقام فصل خصومت می‌دانند و بنابراین قضات دادسرا را مشمول این اصل نمی‌دانند؛ ثانیا قضات دادسرا درواقع نمایندگانی هستند که به نمایندگی از جامعه مسئولیت کشف و تعقیب جرم را بر عهده دارند و در مقام رفع تنازع یا فصل خصومت نیستند و بدین جهت از دادستان به مدعی العموم نیز تعبیر می‌شود.(صالحی مازندرانی،۱۳۸۴: ۱۳۶)

دیدگاه دومی که صحیح‌تر و کاربردی‌تر به نظر می‌رسد آنست که لفظ قاضی در این اصل شامل تمام قضاتی می‌گردد که دارای ابلاغ و پایه‌ی قضایی هستند از جمله قضات دادسرا و دادگاه، برای این نظر نیز دلایلی به شرح ذیل، ذکر گردیده است.اولا؛ در مقام کشف اراده قانون‌گذار، چنانکه از مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی بر می‌آید موسسان این قانون، قاضی را در مفهوم اعمّ آن مدنظر داشته اند[۴].ثانیا؛ اطلاق لفظ قاضی در این اصل نیز موید همین نظر است. ثالثا؛ قوانین و مقررات جاری[۵] نیز چنین تفسیری را تایید می نمایند(صالحی‌مازندرانی،۱۳۸۴:۱۳۸) کما اینکه شورای نگهبان با تایید مادتین ۲۵۵و ۲۵۹قانون آیین دادرسی کیفری که سرمنشا آن اصل ۱۷۱می‌باشد برچنین تفسیری صحّه می‌گذارد چرا که تحقیقات مقدماتی صرفا توسط قضات دادسرا صورت می‌گیرد.[۶]

با تفسیرعامی که از معنای قاضی ذکر شد مشخص می‌شود واژه "حکم" نیز در این اصل به معنای مصطلحی که در دادرسی مدنی یا جزایی تعریف می‌شود نبوده و کلیة تصمیمات و اقداماتی است که از سوی مقامات دادگاه یا دادسرا، به اعتبار سمت

---

[۴] -رئیس(حسینعلی منتظری): آقایان اجازه بفرمایند و نظم مجلس را به هم نزنند و ضمناً بنده هم برای خودم نوبت گرفته بودم که صحبتی داشتم، آن را خدمتتان عرض کنم و آن اینست که« هرگاه در اثر تقصیر یا تقصیرات یا اشتباهات قاضی ضرر و زیان مادی یا معنوی از طرف قاضی به کسی متوجه بشود، در صورت تقصیر بر طبق موازین اسلامی مقصر ضامن است(چه قاضی و چه بازپرس) و در غیر این صورت دولت بر طبق موازین اسلام ضامن است و دولت خسارت را جبران می‌کند و اعاده حیثیت متهم می‌شود.»(صورت‌مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۷۵۶)

[۵] - ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی(تعزیرات):هر یک از مقامات قضائی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این گه رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تاخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش‌ماه تا یک‌سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می‌شود و در هر صورت به تادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی(تعزیرات): هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد،علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه‌ماه تا یک‌سال محکوم خواهد شد.

[۶] - ماده ۲۵۵قانون آئین دادرسی کیفری: اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی،حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود،می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

ماده۲۵۹قانون آئین دادرسی کیفری: جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۵ این قانون برعهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم،شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد،دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند.

قضایی آنان علیه جان، مال یا آزادی اشخاص اتخاذ میشود را شامل می‌گردد.(صالحی مازندرانی،۱۳۸۴: ۱۴۰) چرا که چنانچه این واژه ر ا به معنای دادرسی آن (راجع به ماهیت دعوا و ترافعی وقاطع بودن)بدانیم تنها بر قضات دادگاه‌ها صادق بوده وشامل قضات دادسرا نمی‌باشدکه این تفسیر موجب تعارض درونی این اصل خواهد شد.

اکنون که معنای قاضی و حکم در این اصل تبیین شد و مشخص شد این دو واژه به معنای مصطلح آن در آیین دادرسی نیست بایستی به واکاوی دو مفهوم اشتباه و تقصیر در این اصل پرداخت که البته این دو اصطلاح نیز چنانکه خواهیم دید معنایی متفاوت از معنای آن در حقوق مسئولیت مدنی دارد.

اشتباه در لغت به معنای خطا، ریب، سهو، غلط، نادرست، ناصواب آمده است.(فرهنگ معین)

در اصطلاح حقوقی، تصور خلاف واقعی است از چیزی(مادی یا معنوی). اشتباه حکمی به هر یک از دو مورد ذیل گفته می‌شود: الف)تصور وجود قانونی که اساساً وجود ندارد. ب)تفسیر نادرست از یک قانون به تصور اینکه آن تفسیر درست است. اشتباه موضوعی را اشتباه در موضوعات(در مقابل احکام قانونی) را گویند مثل اینکه کسی قالی می‌خرد به تصور آنکه عتیقه است و بعد خلاف آن ظاهر می‌شود.(جعفری لنگرودی، ۱٤۰۰:صص٤٧-٤٨)

در تعریف تقصیر، بنابر ماده ۹۵۱تا۹۵۳ قانون مدنی می‌توان گفت:تقصیر عبارت است از انجام دادن عملی که شخص نباید مرتکب شود(تعدی) یا ترک عملی که شخص باید انجام دهد(تفریط).(صفایی، ۱۴۰۰: ۱۴۸)

در تعریف تقصیر، بنابر ماده ۹۵۱تا۹۵۳ قانون مدنی می‌توان گفت:تقصیر عبارت است از انجام دادن عملی که شخص نباید مرتکب شود(تعدی) یا ترک عملی که شخص باید انجام دهد(تفریط)(صفایی، ۱۴۰۰: ۱۴۸).حقوق‌دانان تقسیم‌بندی‌های مختلفی را از تقصیر ارائه کرده اند.(صفایی، ۱۴۰۰: ۱۴۹) یکی از این تقسیم‌بندی‌ها،تقسیم‌بندی تقصیر به عمدی و غیر عمدی می‌باشد که خود تقصیر غیر عمدی را بر اساس درجه تقصیر به سنگین(تقصیری آنچنان بزرگ و فاحش که معادل تقصیر عمدی بشمار می‌آید)، سبک (تقصیری که شخص با احتیاط متوسط مرتکب آن نمی‌شود)و بسیار سبک(تقصیری که شخص بسیار محتاط و آگاه آن را مرتکب نمی‌گردد) تقسیم بندی کرده‌اند(صفائی، ۱۳۶۴: ۱۸۰). تقصیر وقتی عمدی است که شخص به قصد اضرار به دیگری مرتکب آن شود و تفاوت آن با تقصیر ارادی آنست که شخص در تقصیرارادی قصد ورودضرر به دیگری ندارد.در تقصیر سنگین،شخص نسبت به نتیجه و ایراد ضرر یقین ندارد و آن را نمی‌خواهد،ولی درجه احتمال اضرار به مرحله ظن می‌رسد و یا به دلیل بی‌اعتنایی به ارزشی مهم(مانند جان و شرافت انسان)سنگین یا در حکم عمد محسوب می‌شود.بیان شده است قاعده الحاق تقصیر سنگین به تقصیر عمدی یک قاعده قدیم است که حتی در حقوق روم وجود داشته است و با عبارتCulpalatadoloaequipartur بیان شده است(صفائی، ۱۳۶۴: ۱۷۵).همچنین عنوان شده است تقصیر سنگین بر مبنای قوانین آلمان دارای دو ضابطه است:

الف) ضابطه نوعی که متضمن عدم بکارگیری مراقبت معمول در شرایطی است که پیش بینی یا توجه به ریسک خسارت برای همه واضح بوده است.

ب) ضابطه شخصی مبنی بر عدم وجود چیزی که فعل یا ترک فعل مورد بررسی از منظر شخص مربوط توجیه پذیر نماید.

در پرونده ترادیگرین یکی از کارشناسان آلمانی، ضابطه الف را شبیه به موقعیتی دانست که شخص بادیدن آن دست خود را بر روی سرش بگذارد و بپرسد «چطور این اتفاق افتاده؟»(باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳)

در تقصیر غیر عمد(قصور یا تقصیر سبک)،شخص قصد ورود ضرر به دیگری را نداشته ولی در نتیجه غفلت و بی‌احتیاطی سبب ورود ضرر به او می‌شود(کاتوزیان،۱۴۰۴: ۳۷۱). بر اساس برداشتی که حقوق‌دانان ایرانی از ماده یک قانون مسئولیت مدنی و مواد۹۵۱تا۹۵۳قانون‌مدنی دارند شدت و ضعف تقصیر،اصولا تاثیری در مسئولیت مدنی نداشته و صرف تحقق تقصیر به هر درجه که باشد برای تحقق مسئولیت کافی است[۷](صفایی، ۱۴۰۰: ۱۵۴). بنظر نگارندگاه با تفسیری کارآمد از اصطلاح اشتباه یا تقصیرقاضی در اصل ۱۷۱قانون اساسی، این درجه‌بندی درباره مسئولیت قضات در ارتباط با احکام ناصحیح صادره از ایشان نیز،موثر بوده و تعیین کننده شخص مسئول یا مدیون(دولت یا قاضی)می‌باشد.

اما چنانکه در این مقاله خواهیم دید با تفسیری کارآمد از اصطلاح اشتباه یا تقصیرقاضی در اصل ۱۷۱قانون اساسی، این درجه‌بندی درباره مسئولیت قضات در ارتباط با احکام ناصحیح صادره از ایشان نیز، موثر بوده و تعیین کننده شخص مسئول یا مدیون(دولت یا قاضی) می‌باشد.

۲. مبانی جبران خسارت در اسناد بین المللی

حق این است حقوق علمی است اجتماعی که هم نظام مسائل آن ناظر به اجتماع است و هم از حالات اجتماعی تاثیر می پذیرد.

[۷]– هر چند به طور کلی درجه‌بندی تقصیر در نظام حقوقی ایران فاقد اثر حقوقی می‌باشد اما در مواردی این تقسیم‌بندی اثرگذار است اولا بیمه خسارات ناشی از خسارات عمدی باطل است ثانیا شرط عدم یا تحدید مسئولیت مدنی،نسبت به تقصیرهای عمدی و سنگین،تاثیری نداشته و برخلاف نظم عمومی و باطل است.ثالثا در تشخیص تقصیر عمدی برخلاف سایر اقسام تقصیر، معیار تشخیص،شخصی است نه معیاری نوعی.(صفایی،۱٤۰۰: ۱٥٤)

در اروپایِ دوران رنسانس و ابتدای مدرنیته،حکومت‌هایی مطلقه و بعضاً با صبغه دینی و قدسی بر سرکار بودند که قوام و بنای حکومت‌شان بر تحکّم و تمامیت‌خواهی بود؛ از این رو اصل عدم مسئولیت دولت تا نیمه اول قرن نوزدهم، یکی از نتایج حاکمیت به شمار می‌رفته و و برای مردم نیز نوعاً قابل قبول بوده است.(هاشمی،۱۳۷۸ : ش۴۰۹)

به تدریج در قرن هجدهم با طرح نظریه قرارداد اجتماعی[۸]، اصل تفکیک قوا[۹]، نگارش رساله جرایم و مجازات‌ها[۱۰] و رنگ باختن صبغه دینی و قدسی، حکومت‌ها خود را مکلف به حفظ امنیت، جان، مال، ناموس و ...شهروندان خود می‌دانستند و در قبال نقض این تعهد، مسئول شناخته می‌شدند.(مرادی،۱۳۸۹: ۶۶)

تداوم این نگاه در دوَل اروپایی و غربی سبب تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال۱۹۴۸میلادی و میثاقین حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶میلادی گردید.[۱۱]

در بند یک از ماده دوم میثاق حقوق مدنی و سیاسی۱۹۶۶، دولت های طرف میثاق متعهد شده اند که حقوق مقرر در این میثاق را به طور برابر درباره کلیه افراد مقیم در خاک خود اعمال نمایند.[۱۲] متعاقبا در بند دوم از همین ماده، در جهت همسویی قوانین داخلی و رویه عملی کشورها با این میثاق،دولت ها مکلف شده اند با اتخاذ تدابیری در زمینه قانون‌گذاری و سایر زمینه ها(برای مثال تفسیر یا مقرره‌گذاری و ...)، بستر جریان حقوق شناخته شده در این میثاق را فراهم آورند.[۱۳]

در جهت تضمین هرچه بیشتر حقوق پذیرفته شده در این میثاق، علاوه بر بعد تقنینی مذکور در دوبند قبل،در بعد عملیاتی و اجرایی نیز، قسمت الف بند سه ماده دوم میثاق، دولت‌ها را متعهد به پیش بینی وسیله و شیوه‌ای مطمئن در جهت احقاق

---

[۸] - ژان ژاک روسو در این کتاب منشا به وجود آمدن دولت را قراردادی اجتماعی می‌بیند که به موجب آن مردم در قبال‌اعطای بخش محدودی از آزادی‌های مشروع خود به دولت،در مقابل از دولت تقاضای حفظ امنیت،جان،مال،ناموس و ... خود را دارند؛شهروندان با دولت که حافظ نظم عمومی و امنیت اجتماعی است قراردادی منعقد نموده‌اند که در صورت نقض تعهدات ناشی این قرارداد از جانب هر یک از طرفین،در مقابل هم مسئول‌اند.

[۹] - منتسکیو با طرح این نظریه تاکید بر اصل تفکیک قوای سه‌گانه از یکدیگر به منظور اعمال نظارت بر یکدیگر و جلوگیری از تمرکز قدرت در دست یک نفر که منتهی به خودکامگی و فساد می‌گردد داشت.

[۱۰] - سزار بکاریا در این رساله با طرح اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها،خواهان محدود شدن دست دولت در جرم انگاری و اعمال مجازات‌های ناروا شد.

[۱۱]- در سال ۱۹۴۸میلادی،مجمع عمومی از کمیسیون حقوق‌بشر خواست تهیه پیش‌نویس میثاقی درباره حقوق‌بشر و راهکارهای اجرایی آن را در اولویت کارهای خود قرار دهد.کمیسیون مزبور در اجلاس پنجم خود بررسی میثاقی را با ماهیت حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار داد.اما این روند تفکیکی بین حقوق مدنی و سیاسی با حقوق اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی منجر به اعتراض مجمع عمومی می‌شد،اما در نهایت پس از مباحث متعددی که مطرح شد،مجمع عمومی سازمان ملل نیز با تدوین دو سند که یکی مشتمل بر حقوق مدنی و سیاسی و دیگر مشتمل بر حقوق اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی باشد موافقت نمود.در انجام این میثاقین،قطعنامه شماره A۲۲۰۰ در مورخه ۱۶ دسامبر۱۹۶۶به تصویب مجمع رسید و از سال ۱۹۷۶ با تودیع سی و پنجمین سند تصویب، قابلیت اجرایی پیدا نمود.(سایت پژوهشکده باقرالعلوم(ع)- pajoohe.ir)

[۱۲] - بند یکم ماده دوم: دولتهای طرف این میثاق متعهد می شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی _از قبیل نژاد،رنگ،جنس،زبان،مذهب ،عقیده سیاسی یا عقیده دیگر،اصل و منشا ملی یا اجتماعی،ثروت،نسب یا سایر وضعیتها_ محترم شمرده و تضمین بکنند.

[۱۳] - بند دوم ماده دوم : هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانون‌گذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلا به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم الاجراء نشده است به عمل آورد.

حقوق ناشی از نقض این میثاق می‌داند **گرچه این نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب یافته باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند.**[۱۴]

یکی از حقوق متعالی پذیرفته شده در این میثاق، مسئله جبران خسارت از محکومانی است که به ناحق مورد محکومیت و تحمل مجازات قرار گرفته‌اند. بند ششم ماده ۱۴ این میثاق به این موضوع پرداخته و بیان داشته است:«هرگاه حکم قطعی محکومیت جزائی کسی بعدا فسخ بشود یا یک امر حادث امر حادث یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی باشد و بالنتیجه مورد عفو قرار گیرد شخصی که در نتیجه این‌محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران بشود مگر اینکه ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتوم کلا یا جزئاً منتسب به خود او بوده است.»

چنانکه مشاهده می‌شود به رغم اینکه حق جبران خسارت محکومانی که بی‌گناهی ایشان پس از اجرای تمام یا قسمتی از حکم قطعی محکومیتشان، آشکار شده در یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی و حقوق بشری تبلور یافته و دولت‌ها تضمین‌کننده هر چه بیشتر این حق(چه به لحاظ ماهوی و چه در جهت شکلی و پیش‌بینی شیوه جبران خسارت) شناخته شده‌اند اما این بند به جهات ذیل وافی به مقصود نبوده و کامل نمی‌باشد:[۱۵]

یکم)لزوما در تمامی موارد اینگونه نیست که حکم صادره علیه شخصی بایستی به اجرای حکم و تحمل مجازات منتهی بشود تا ورود ضرر و جبران خسارت برای ایشان قابل تحقق باشد بلکه صرف صدور حکم ناصواب در مواردی باعث ورود خسارت گردیده و موجبات ضمان را فراهم میکند.برای مثال؛ در دعوای ورشکستگی صرف صدور حکم علیه تاجری موجب لطمه به اعتبار و شهرت تجاری یا منع وی از مداخله در اموالش گردیده و بایستی از وی جبران خسارت گردد.[16]

دوم)با توجه به معنایی که از واژه حکم در مقدمه ذکر گردید و اصول و قواعدی که جبران خسارت را در خصوص اشخاص محکوم توجیه می‌کند بایستی شائبه اختصاص جبران خسارت به محکومان کیفری را از ذهن زدود و در نظام حقوقی ایران جبران خسارت را شامل کلیه محکومان کیفری و دادباختگان حقوقی و تجاری و... دانست چرا که در صورت اختصاص این امر به محکومان کیفری با ترجیحی بلامرجح مواجه خواهیم بود.

---

[۱۴]- بند سوم ماده دوم: هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که: الف)تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود هرچند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند.

[۱۵] - این نکته قابل تامل است که شاید این مضیق بودن دامنه حق جبران خسارت در این میثاق،در جهت انعطاف و انطباق‌پذیری هرچه بیشتر این میثاق با قوانین ومقررات داخلی کشورها باشد.

[۱۶] - لازم به ذکر است موارد مذکور در این قسمت جنبه تمثیلی داشته و بایستی در هر مورد ورود ضرر اثبات گردد.به عبارت دیگر مدعای مورد بحث در این مقاله رکن "فعل زیانبار" از عناصر سه‌گانه مسئولیت مدنی است و سایر ارکان نظیر ورود ضرر و رابطه سببیت نیازمند مجالی دیگر است.

برخی نویسندگان مدعی هستند امکان جبران خسارت محکوم برائت‌یافته از سوی دولت وفق قوانین عادی منتفی است؛ چرا که ماده ۵۸قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰[17] که دولت را در صورت عدم تقصیر قاضی، مسئول جبران خسارت تلقی نموده بود، نسخ شده و تقنین موخر قانون‌گذار در ماده ۱۶۳قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲[18] به صراحت جبران خسارت را منوط به اثبات اسناد خسارت یا سوء حکم به تقصیر افرادی از جمله شاکی، شاهد یا اداکننده سوگند نموده است. همچنین در صورت وجود قاعده‌ای در قانون اساسی[19] و عدم ذکر ماهیت یا روند شکلی پیگیری آن در قوانین عادی، عملاً اصل اساسی منکوب بوده و قابلیت اجرایی نخواهد داشت.(باریکلو و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۳) در حالی که اولاً ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب۱۳۹۰ و آئین‌نامه اجرایی آن، به صراحت دعاوی اصل ۱۷۱قانون اساسی را در صلاحیت دادگاه عمومی تهران قرار داده و آن را منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات دانسته است.

ثانیاً رویه قضایی نیز همگام با این موضوع بوده است چنانکه شعبه ۲۰ دادگاه عمومی تهران در دادنامه شماره ۱۲۵۰مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ چنین مرقوم داشته: «... با عنایت به اینکه تشخیص قصور و یا تقصیر قضات بر عهده دادسرا و دادگاه انتظامی قضات می‌باشد و اینکه دلیل و یا مدرکی دال بر تقصیر خواندگان از مراجع یادشده ارائه نگردیده و به عبارت دیگر، اجابت موضوع خواسته فرع بر اعلام تقصیر خواندگان از مراجع موصوف می‌باشد... دعوای مطروحه به کیفیت فوق قابلیت استماع ندارد...». دادنامه شماره ۵۶۲ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱صادره از شعبه ۲۸دادگاه عمومی تهران که در ادامه ذکر می‌گردد نیز منطبق با همین رویّه است.

ثالثاً به رغم نسخ ماده۵۸ قانون مجازات سابق، اعتبار اصل۱۷۱قانون اساسی همچنان پابرجاست و بدیهیست که به دلیل تفاوت در مرجع وضع ماده و اصل، ماده ۱۶۳قانون مجازات فعلی نمی‌تواند ناسخ یا مخصص اصل مذکور باشد. بنابراین؛ ماده ۱۶۳قانون مجازات تنها مؤیّد بخشی از اصل ۱۷۱می‌باشد و تمامی ابعاد آن را در بر نمی‌گیرد.

سوم) از قرن هجدهم میلادی که مسئله تاسیس شرکت‌های تجاری و شخصیت حقوقی ایشان به تبع رشد و توسعه کشورهای اروپایی مطرح شد شخص حقوقی نیز طرف حق و تکلیف قرار گرفت و حقوق و تکالیف شخص طبیعی تا حدی که ذاتی ایشان نباشد بر اشخاص حقوقی اعمال می‌شد گرچه پیش از آن نیز شخصیت حقوقی برای بعضی اموال مذهبی و کلیسا

---

[17] - ماده ۵۸قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.

[18] -ماده ۱۶۳قانون مجازات اسلامی مصوب۱۳۹۲: اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل گردد، مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی، جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور، مستند به آنان است، اعم از اداکننده سوگند، شاکی یا شاهد حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می‌شوند.

[19] - منظور اصل۱۷۱قانون اساسی و قاعده جبران خسارت در صورت اشتباه قاضی توسط دولت است.

مطرح بود.(سلیمان‌زاده، ۱۴۰۴: ۸۴)فلذا خسارات وارده بر ایشان در نتیجه احکام قضایی -اعم از محکومیت‌های‌کیفری[۲۰] یا حقوقی-نیز قابلیت جبران دارد چه بسا که این خسارات سنگین‌تر و سهمگین‌تر از خسارات وارده بر اشخاص طبیعی باشد.[۲۱]

چهارم) نظر به اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها[۲۲]در صورتی که محکوم علیه بیش از میزان مقرر در حکمی که مطابق قانون صادر شده متحمل مجازات بشود یا در اجرای احکام مدنی‌ای که مطابق قانون صادرشده تعدی و تفریطی صورت گیرد با توجه به اینکه اجرای احکام دادگاه‌ها تحت نظارت قاضی اجرای احکام صورت می‌گیرد اطلاق لفظ " قاضی" در اصل ۱۷۱قانون اساسی شامل این موارد نیز می‌شود.

دولت ایران نیز در سال ۱۳۵۴شمسی به موجب ماده واحده " قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی" به این میثاق پیوسته است.

بعدها نیز در سال ۱۹۸۴میلادی پروتکل شماره هفت کنوانسیون اروپایی "حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی" به تصویب رسید که ماده سه این پروتکل بر حق مصرح در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مهر تأییدی نهاد:

«هرگاه شخصی به موجب حکم قطعی به جرمی محکوم شده باشد و بعداً به دلیل وقوع یک واقعیت جدید یا تازه کشف شده که به طور قطعی نشان دهنده وقوع یک اشتباه قضایی باشد، محکومیت او لغو یا مورد عفو قرار گیرد، شخصی که در نتیجه چنین محکومیتی متحمل مجازات شده است، طبق قانون یا رویه دولت مربوطه غرامت دریافت خواهد کرد، مگر اینکه ثابت شود عدم افشای به موقع واقعیت ناشناخته، کلاً یا جزئاً منتسب به خود او بوده است.»

۳. مبانی جبران خسارت در نظام های حقوقی کشورهای توسعه‌یافته

در این قسمت از پژوهش به بررسی چند نظام حقوقی ملی در هر یک از دو نظام حقوق نوشته و حقوق کامن‌لا می‌پردازیم.

۳/۱ بررسی مبانی جبران خسارت درکشورهای کانادا، انگلستان و ایالات متحده

---

[۲۰] - ماده۲۰ قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲: در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود،باتوجه به شدت جرم ارتکابی و نتایج زیانبار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، ...

[۲۱] - برای مثال دو مورد از مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی که در ماده۲۰قانون‌مجازات‌اسلامی۱۳۹۲ ذکر شده است انحلال شخص حقوقی و مصادره کل اموال می‌باشد.بدیهیست چنانچه حکم نادرستی علیه شخص حقوقی با مجازات‌های مذکور صادر و اجرا بشود چه خساراتی را برای شخص حقوقی و ذی‌نفعان آن_ ازجمله سهامداران در شرکت‌ها_ به بار خواهد آورد.

[۲۲] - ماده۱۳قانون‌مجازات‌اسلامی۱۳۹۲: «حکم به مجازات یا اقدام تامینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این‌صورت،خسارت از بیت المال جبران می‌شود.»
توجه به این نکته از آن جهت ضروری است که حکم در محدوده محکوم‌به قابل اجراست و چنانچه حتی حکمی مطابق با قانون صادر شده باشد باتوجه به افتراق میان نهاد صدور حکم و اجرای حکم،همچنان امکان خطا واشتباه در مرحله اجرا وجود دارد.

به دلیل غلبه نگاه تاریخی و اهمیتی که این کشورها برای جایگاه و استقلال قوه‌قضائیه قائل هستند در این کشورها راه اقامه دعوا بر قضات ناهموار و گذر از سد مصونیت قضایی و حاکمیت دولت برای زیان‌دیده بی‌گناه،بس دشوار و تا حدی ناممکن است.در واقع در این کشورهایی مثل انگلستان و آمریکا، مسئولیت آنان تنها در موارد خاص پذیرفته شده است و در همین موارد نیز بیمه مسئولیت مدنی قضات الزامی شناخته شده و آنان در عمل خسارتی نمی‌پردازند.(. & Schuk, 1989: 655 ss.; Haley, 1989: 281 &ss- خدری، ۱۳۸۹: ۴۶- جواهرکلام، ۱۴۰۵: ۱۶۸). در ایالات متحده،قضات دادگاه‌های عالی به طور مطلق از مصونیت برخوردار هستند حتی در فرضی که فساد و غرضی در اعمال ایشان یافت شود وفقط قضات دادگاه‌های تالی با شرایطی همچون تجاوز از حدود صلاحیت یا اعمال غرض و فساد مسئولیت دارند. (صالحی مازندرانی،۱۴۰۳: ۱۱۳)

همچنین در این کشور، سه شیوه جبران خسارت برای این به ظاهر محکومان پیش‌بینی شده که عبارت‌اند از لوایح خصوصی، طرح دعوا در یک دادگاه مدنی و قوانین جبران خسارت.(kahn,2010:131) در روش اوّل شخص زیان‌دیده از حکم ناراوی قضایی درخواست لایحه خصوصی را از قانون‌گذار ایالتی طرح می‌کند تا با وضع لایحه در مجلس ایالتی، جبران خسارت وی به عمل آید. (kahn,2010:134) انتخاب چنین شیوه‌ای علاوه بر به رسمیّت شناخته شدن در قانون اساسی هر ایالت، نیازمند قدرت سیاسی و صبر بوده و درصد کمی از افرادی که این شیوه را برمی‌گزینند موفّق به دستیابی به نتیجه‌ای قابل قبول می‌شوند.(Gutman:2017: 372)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امکان ارائه لوایح به مجلس شورا از سوی شهروندان پیش‌بینی نشده ولی وزارت دادگستری که متولّی جبران این نوع خسارات می‌باشد می‌تواند با ارائه لایحه به هیئت وزیران مطابق اصل ۷۴قانون اساسی[۲۳] چنین امری را به طور ویژه مطالبه نماید.(کنارکوهی، ۱۴۰۱: ۱۱۱)

در روش دوّم، محکومان برائت‌یافته می‌توانند دولت فدرال آمریکا را تحت فصل ۲۱ از عنوان ۴۲ مجموعه قوانین ایالات متحده مصوّب ۱۹۸۳(که به موضوع حق جبران خسارت برای تحت کنترل درآوردن شهروندان ایالات متحده و محرومیّت‌های آنان از حقوق و مصونیّت‌های اعطایی به موجب قانون اساسی و قوانین عادّی می‌پردازد) تعقیب نموده یا دولت‌های ایالتی را از طریق دعاوی شبه جرم کامن‌لا برای تعقیب با سوءنیّت و زندان ناحق طرف دعوا قرار دهند. اشکال این نحوه جبران خسارت آن است که فرد زیان‌دیده بایستی نقض یک حق اساسی خاص را ثابت نماید. این قید از آن جهت مهم و مشکل‌ساز است که بیشتر این خطاها ضرورتاً نقض نوع خاصّی از حقوق اساسی به شمار نرفته و حتّی در مواردی که ارتکاب این خطاها نقض

[۲۳] - اصل ۷۴ قانون اساسی: لوایح قانونی پس از تصویب هیات وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

حقوق بنیادین و اساسی به شمارمی‌رود مرتکبین دارای مصونیّت مطلق یا مشروط می‌باشند. (Mandery and others, 2013:pp556-558)

اشکالات دو روش مذکور باعث شد تا قوانین خاص جبران خسارت که برخی با عنوان «استاندارد طلایی» از آن یاد کرده‌اند در ایالات مختلف تصویب شود. (Encarnacion, 2016: pp139-140) مطابق این قوانین، پول و خدماتی برای افراد تبرئه شده بدون توجّه به تقصیر یا سرزنش در نظر گرفته شده و خواهان ملزم به اثبات بی‌گناهی و اینکه مدّتی را در نتیجه حکم ناصحیح در زندان گذرانده است می‌گردد. (Bernhard, 2009: 409)) با توجّه به حذف تشریفات دو روش قبلی، اتّخاذ این شیوه در ۳۳ ایالت باعث گردیده جبران خسارت در مورد شخص زیان‌دیده سریع‌تر و در بازه زمانی سه ساله‌ای به عمل آید. (Innocence Project, 2009:p3,p14)

در انگلستان نیز قضات دادگاه های عالی در صورتی که باحسن‌نیّت و اعتقاد به صلاحیت خود رفتار کرده باشند حتی در صورت اقدام خارج از صلاحیت خود مسئولیتی ندارند(صالحی مازندرانی،۱۴۰۳: ۱۱۴).اما این مسئله در مورد قضات دادگاه‌های تالی این کشور متفاوت است.این قضات،برای اقدامات خارج از صلاحیت خود یا اقدامات داخل در صلاحیت خود با این قید که سوءنیت بدون عذر موجه داشته باشند مسئولیت مدنی خواهند داشت.(سعیدی و یاقوتی،۱۴۰۳: ۳۰)

به هرحال،قضات ایالات متحده در قبال پرداخت حق بیمه مشخصی که در بیشتر ایالات توسط دولت فدرال تامین می‌شود در قبال مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات شغلی خود تا سقف دومیلیون دلار بیمه می‌شوند.(داورنیا،۱۳۸۵: ۱۴۴)

در کانادا، برخلاف نظام حقوقی ایران -آنگونه که نظام جبران خسارت منسجمی برای متّهمینی که حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود- هیچ‌گونه جبران خسارتی برای متّهمان برائت‌یافته و آسیب‌دیده از صدور قرارهای تأمین کیفری پیش‌بینی نشده است چرا که به موجب دستورالعمل فدرالی ایالتی که توسط گروه وزرای دادگستری کشوری،فدرالی و ایالتی به تصویب رسید جبران خسارت از افراد محکوم شده و زندانی شده بی‌گناه با وجودشرایطی پنج‌گانه به عمل می‌آید.از این شروط پنج‌گانه مهم‌تر آنکه، متّهمی که خواهان جبران خسارت می‌باشد بایستی بی‌گناهی واقعی خود را اثبات نماید و به صرف صدور رای برائت به سبب فقدان ادلّه کافی یا تردید منطقی یا دیگر موارد، استحقاق دریافت خسارت را نخواهد داشت.(باریکلو و دیگران، ۱۳۹۹:صص۳۵-۳۷)

۲٫۳. بررسی مبانی در حقوق کشورهای فرانسه و ایتالیا

در فرانسه،نخستین بار در سال ۱۷۸۱میلادی آکادمی علوم و ادبیات، دو تن از نویسندگانی را که مطالبی درباره جبران خسارت و انتقام خون بی‌گناهان نوشته بودند بدین مضمون که بدون استثناء از کلیه بی‌گناهان جبران خسارت مادی و معنوی به عمل آید، مورد تقدیر قرار داد.با انتشار این مطلب، توجه لوئی شانزدهم،پادشاه فرانسه به این مسئله معطوف گردیده و به نقل از وزیر دادگستری وقت فرانسه،موجب اظهار شگفتی و تعجب این پادشاه از عدم توجه به این مسئله در قوانین قبلی گردید و آن را همچون دینی برای دستگاه عدالت تلقی می‌نماید.(آشوری، ۱۳۵۲: ۲)

حدود یک‌صد سال بعد این موضوع در قوانین و مقررات فرانسه مورد توجه قرار گرفت و در ماده ۶۲۶قانون آئین دادرسی کیفری قدیم فرانسه،مسئولیت جبران خسارت اشخاصی را که بی‌گناهی آنان بر اثر اعاده دادرسی مبرهن می‌گردید بر عهده دولت گذاشته شد.درنهایت،درسال۱۹۷۰میلادی قانون‌گذار فرانسوی،در ماده ۱۴۹قانون آئین دادرسی کیفری بر لزوم مهم و غیرعادی بودن خسارت وارده بر محکوم ناروا برای جبران خسارت ایشان تاکید کرد (پیشین:۱۱) و دولت را تنها در صورت تقصیر عمدی و سنگین قاضی و استنکاف او از رسیدگی،مسئول جبران خسارت دانست و هر اشتباه یا غفلتی را از سوی قاضی سببی برای جبران خسارت تلقی نکرد(کاتوزیان، ۱۴۰۳:۳۹۰).در این راستا، ابتدا این حق به محکوم علیه داده شد تا در موارد تقصیر عمدی و سنگین قاضی در صدور رأی به دادگاه عالی‌تری شکایت و جبران خسارت وارد شده را مستقیما از وی مطالبه کنند و قاضی نیز مجبور بود در آنجا حاضر شده و از رأی خود دفاع کند. البته تقصیر قاضی، با قاضی متعارف، محتاط و آگاه سنجیده می‌شد(Joly-Hurard, 1982:446-viney, 2006: 250- صفائی و راضی، ۱۳۹۹: ۱۲۹) سپس اینطور مقرر شد که دولت به عنوان تضمین در مقابل زیان دیده، خسارت را جبران نماید لیکن دولت حق دارد پس از جبران خسارت از محکوم بی‌گناه به طرح دعوا علیه قاضی مقصر پرداخته و خسارات خود را جبران نماید(Adida- Canac, 2009: 1288- Wiederkeher, 1999: 536) ولی با وجود این،هیچ دعوای جبرانی از زمان وضع این نظام تاکنون اقامه نشده است.(صفایی، ۱۳۹۹: ۱۳۹- Joly- Hurard, 2006:1052)در رابطه با مواردی که قاضی مسئول است و دولت می‌تواند به وی مراجعه کند، مواد (۵۰۵) تا (۵۱۶) قانون آیین دادرسی مدنی و (۳- ۱۴۱) قانون سازماندهی قضائی فرانسه، این موارد را برشمرده : تقصیر عمدی، تقلب، رشوه یا خطای فاحش که قضات در مرحله بازپرسی یا قضاوت مرتکب می‌شوند(همو، ۱۳۹۹: ۱۲۹)

در ایتالیا،قانون مسئولیت مدنی قاضی که در سال۱۹۸۸میلادی با کد ۱۱۷/۱۹۸۸ به تصویب رسید با حصول دو شرط مسئولیت را متوجه قاضی می‌داند اولا ضرر و زیانی وارد شده باشد و ثانیا این ضرر و زیان صرفا بر اثر تصمیم غیرقانونی به وجود آمده باشد.با این‌حال رویه قضایی این کشور،در مواردی که تصمیم قاضی به نتایج نامطلوبی منجر شده باشد تقصیر قاضی را مفروض تلقی می‌نماید(داورنیا،۱۳۸۵: ۱۴۱).

از نوآوری‌های حقوق ایتالیا آن است که چنانچه زیان وارده در نتیجه تقصیر چند قاضی صورت گرفته باشد جبران این خسارت بر عهده تمام ایشان به صورت تضامنی بوده و هر یک از ایشان مسئول جبران تمامی ضرر و زیان وارده می‌باشد و ایفا کننده این زیان می‌تواند به میزان مسئولیتی که سایرین داشته‌اند به آنان مراجعه نماید(منبع پیشین:۱۴۱)که این امر در تسریع جبران خسارت این به ظاهر محکومان موثر می‌باشد.[۲۴]

۴. بررسی مبانی در حقوق ایران

چنانکه مشخص شد حقِ بر جبران خسارت محکومان بی‌گناه در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوق نوشته بطور مطلوبی مورد پذیرش قرار گرفته و در کشورهای کامن‌لا(انگلستان و ایالات متحده)نیز کم و بیش این مسئله مورد پذیرش بوده و در حال گسترش است. همچنین در نظام حقوقی ایران اصل وجود چنین حقی با پیش‌بینی در قانون اساسی و مهم‌ترین سند حقوقی کشور، به نحو موثری تضمین گشته است.

در اصل ۱۷۱قانون اساسی تنها اشتباه و تقصیر قاضی در صورت صدور حکم ناروا موجب جبران خسارت دانسته شده است که در صورت تقصیر قاضی، شخص قاضی ضامن خواهد بود و در صورت اشتباه وی، دولت به جبران خسارت می‌پردازد.[۲۵] (رجبی، ۱۴۰۵: ۲۵۹)

آنچه باعث خدشه در اجرای این حق می‌گردد چالش‌های مربوط به اجرای حکم به نفع محکوم‌له(که در حقیقت همان به ظاهر محکوم بی‌گناه در رای نادرست می‌باشد که تقصیر یا اشتباه قاضی در ورود ضرر را ثابت کرده) _نظیر صدور اجرائیه و توقیف اموال و ...._ و استقلال و مصونیت قضات است. از طرفی شخصی که با اعتماد و اطمینان به دستگاه قضایی آن را صالح برای رسیدگی به اتهامات و دعاوی له و علیه خویش دانسته و حکمی ناروا علیه وی صادر گشته و متعاقبا ضرری مادی

---

[۲۴]– در حقوق ایران نیز این مسئله محل توجه است که چنانچه حکم ناروایی در اثر اشتباه و تقصیر قاضی مجموعا صورت گرفته باشد تقسیم جبران خسارت چگونه صورت خواهد پذیرفت؟چنانچه در اثر تقصیر چند قاضی باشد چطور؟از سویی دیگر چنانچه حکمی به طور فوق‌العاده چندین‌بار مورد اعتراض قرار گیرد و در نهایت نادرستی آن مشخص گردد با توجه به اینکه هر قاضی مستقل از دیگر قضات به صدور رای می‌پردازد چطور؟در این‌باره رای مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ شعبه ۲۰دادگاه عمومی‌حقوقی تهرانبه شماره دادنامه ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۹۴۵۳۲۰۸ محل توجه است.چنانکه از گردش‌کار دادنامه بر می‌آید متهم بی‌گناهی در اولین رسیدگی محکوم به اعدام گشته و تا مرحله اجرای حکم پیش می‌رود سپس با دومین رسیدگی محکوم به حبس ابد گردیده و مجدداً با رسیدگی سوم محکوم به ۲۵سال حبس گردیده و در نهایت با دستور ریاست قوه‌قضائیه، پرونده وی مورد بازنگری قرار گرفته و و پس از تحمل ۱۱سال حبس، حکم برائت وی صادر می‌گردد.

[۲۵] - به رغم آنکه در ابتدای اصل ۱۷۱قانون اساسی صرفاً از اشتباه و تقصیر قاضی سخن گفته می‌شود اما در بند دوم این اصل آن را به قضات محدود ندانسته و بیان می‌دارد:«... در صورت تقصیر،مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است...» که گزاره‌ای عام‌تر بوده و سایر افراد مرتبط با دادرسی از قبیل شهود،کارشناسان و ... را در بر می‌گیرد. آنچه در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد تنها مسائل مربوط به اشتباه و تقصیر قضات است.

و معنوی را متحمل شده با مشقتی فراوان توانسته دستگاه قضایی را مجاب نماید که حکم صادره علیه وی ناروا می‌باشد اکنون بایستی مسائل عدیده مربوط به اجرای احکام علیه قاضی مقصر را از سر بگذراند تا ضرر خویش را جبران نماید. از سویی دیگر قاضی نیز به عنوان بازوی دستگاه حاکمیت در اجرای عدالت نیاز به فراغ بال بیشتری دارد تا با خاطری آسوده به دادرسی پرداخته و نگران آراء صادره از جانب خود نباشد[۲۶]؛ چه بسا که در مواردی قاضی به ظاهر مقصر بوده و مقصر اصلی دولت باشد که زیرساخت‌های آموزش ایشان و گسترش کمی مراجع قضاوتی را فراهم نکرده و قضات را با انبوهی از پرونده‌ها مواجه ساخته است.[۲۷]

راه‌حل این مسئله با توجه به مبانی که در ادامه بیان می‌گردد در انصراف مفهومی اصطلاح"تقصیر" در اصل ۱۷۱قانون اساسی به تقصیرهای عمدی و سنگین(در حکم عمد) و توسعه مفهومی اصطلاح"اشتباه" در این اصل و ملحق ساختن تقصیرهای بسیار سبک و سبک به اشتباه می‌باشد تا در نتیجه آن خسارات ناشی از تقصیرهای غیر عمد هم به وسیله دولت جبران گردد.

۱-مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی[۲۸]

برخی نمایندگان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی در هنگام بررسی اصل ۱۷۱قانون اساسی[۲۹] به این موضوع توجه داشته‌اند و چنین گفته‌اند:«جوادی- ... اگر با حکم قاضی چیزی تلف شد و از بین رفت، این دو صورت دارد.یکی اینکه اگر این کار و ضرر با حکم قاضی عمدی بود بایستی خود قاضی جبران خسارت نماید و دوم اینکه و اگر عمدی نبود بیت المال ضامن است بایستی جبران خسارت بشود و از بیت المال پرداخت نمایند. ...». یکی دیگر از نمایندگان که دانش‌آموخته دکترای حقوق هم بوده با این استدلال به این موضوع می‌پردازد:«گلزاده غفوری- بنده می‌خواستم مطلبی را عرض بکنم و یادآوری کرده باشم یکی اینکه مراجعه به قاضی به اعتماد دستگاه قضائی کشور است قاضی مانند آدم عادی نیست که مردم پیش او بروند و آن هم یک اشتباهی کرده باشد و ضمانت شخصی خودش را داشته باشد.در واقع به اعتماد دستگاه قضایی کشور است که مردم به او اعتماد می‌کنند و او را امین می‌دانند و برای رفع مشکل و برای گشایش گشایش گره کارشان به قاضی مراجعه می‌کنند بنابراین بایستی پشتوانه ضمانت قاضی دستگاه قضاوت و دستگاه دولت باشد.» همچنین در پاسخ به این سوال از سوی رئیس مجلس که چنانچه قاضی عمدا خلاف کرد باز هم بایستی دولت جبران خسارت او را بکند؟ ایشان پاسخ می‌دهد:«نه،اینطور نیست نظرم این است که مردم هر روز دنبال قاضی برای کارشان ندوند یعنی در مورد قضاوت بایستی دولت با قاضی طرف باشد نه مردم، که هر روز دنبال قاضی ندوند و او هم در جواب مردم بگوید(المفلس فی امان الله) دوم اینکه علاوه بر قاضی،قضات تحقیق هم هستند چه بسا اشتباه قاضی و حد تقصیر قاضی به خاطر جهاتی باشد که آن بازپرسها و قضات تحقیق هم دخالت

---

[۲۶] - برخی با تضییق دامنه مسئولیت قضات به این دلیل مخالفند که این امر باعث بی‌پروایی و عدم توجه کافی قضات در صدور آراء می‌گردد در صورتی که جنبه بازدارندگی مسئولیت مدنی را می‌توان با ابزارهای دیگری نظیر تخلفات انتظامی هم تامین کرد!

[۲۷] - همان چیزی که امروزه در نظام حقوقی ایران از آن تعبیر به "آمارگرایی" می‌شود.

[۲۸] - در این باره ر.ک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران،(۱۳۶۴)جلد سوم صص۱۷۵۱-۱۷۶۰

[۲۹] - این اصل در هنگام تصویب با عدد ۱۵۶/۱ بوده است.

داشته باشند. بنابراین هر کس که در این راه مقصر است، این از این جهت است که بیشتر در امور محوله دقت نمایند و حکمی اشتباهاً صادر ننمایند.»

بلافاصله یکی دیگر از نمایندگان هم این استدلال را تایید می‌نماید.(هاشمی‌نژاد).

یکی دیگر از نمایندگان با این بیان به طرح نظر خویش می‌پردازد:« رحمانی-تذکرم این است که در صورت تقصیر،دولت هم ضامن است مگر نه این است که دولت او را قاضی قرار داده است و به او حکم داده است و این قدرت را دولت به تشخیص قاضی داده است و الا خود آن نمی‌توانست با قدرت خودش در کار مردم قضاوت کند پس در این صورت چون در انتصاب قاضی دولت دخالت داشته و دارد بایستی جبران ضرر و خسارت هم بکند. و اگر ثابت نشد که قاضی مقصر است دولت از جبران خسارت بری می‌باشد. ...»

نماینده‌ای دیگر با تفکیک بین مسئولیت و مدیونیت، در فرض تقصیر قاضی دولت را مسئول پرداخت می‌داند که امکان رجوع به قاضی مقصر را دارد:« ربانی املشی- ... قاضی در هر صورت چه قصور کرده باشد در کارش چه تقصیر،در هر دو صورت بایستی دولت ضامن باشد و ضرر و زیان و اعاده حیثیت از متهم بنماید منتها اگر تقصیر و قصور با قاضی باشد دولت در این صورت به قاضی مراجعه می‌کند و از قاضی می‌گیرد.»

آنچه به عنوان نتیجه‌گیری می‌شود بیان کرد آنست که ادعای انصراف تقصیر مذکور در اصل۱۷۱قانون اساسی به خسارات عمدی(و در حکم عمد=تقصیر سنگین) دور از نظر موسسین قانون اساسی نبوده و ایشان نیز بدین تفسیر توجه داشته‌اند.همچنین مطابق نظر اخیری که ذکر گردید رویه قضایی جهت تسریع در فرایند جبران خسارت می‌تواند با تفکیک بین مسئولیت و مدیونیت،دولت را در تمامی موارد تقصیر و اشتباه مسئول جبران خسارت دانسته و در صورت تقصیر قاضی،حق رجوع به قاضی مقصر را برای وی قائل بشود.امری که با ملاک ماده ۲۵۹قانون آیین دادرسی کیفری نیز همخوانی دارد چرا که سرمنشا ماده مذکور نیز همین اصل می‌باشد چنانکه برخی حقوق دانان نیز کلمه "بازداشت" در ماده ۲۵۵ را به معنای دقیق و خاص خود ندانسته و شامل احکام حبس نیز دانسته‌اند.

همچنین ماده ۳۰قانون نظارت بر رفتار قضات[۳۰] صراحتی در لزوم خوانده قرار دادن قاضی مقصر در دعوای جبران خسارت در دادگاه عمومی نداشته بلکه می‌توان گفت فایده اثبات اشتباه یا تقصیر قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات،به طور مستقیم به زیان‌دیده باز نمی‌گردد و به امکان رجوع ثانویه دولت به قاضی صادرکننده حکم پاسخ می‌دهد.

۲-میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

[۳۰] -ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات: رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم(۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است.رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.

به رغم آنکه حقوق‌دانان ایرانی در نوشته‌های خود، شناخته شدن این حق را برای نخستین بار در اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸شمسی) می‌دانند(میرشکاری، ۱۴۰۲: ۷۶۸) اما پیش از آن نیز در دو قانون، قانون‌گذار ایرانی اشاراتی به این حق داشته و آن را مورد پذیرش قرار داده است. نخست در قانون "مربوط به امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی" مصوب ۱۳۳۴ می‌باشد. در تبصره ۴ ماده ۱۸ این قانون بیان می‌دارد:« هر یک از مامورین دولتی و یا شهرداری و یا کسانی که بر حسب وظیفه متصدی مراقبت در مواد دارویی هستند ... در صورتی که ثابت شود اشخاص فوق گزارشی به قصد اضرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود در صورت برائت متهم و اثبات قصد اضرار، علاوه بر جبران خسارت وارده به مدعی خصوصی به مجازات یک تا سه سال حبس تادیبی محکوم خواهند شد.»

اما پس از دو دهه به شکلی جامع‌تر در قانون" اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی" مصوب۱۳۵۴ مورد پذیرش قرار گرفت؛ چه همانگونه که در مقدمه ذکر گردید این میثاق در سال۱۳۴۵شمسی/ ۱۹۶۶میلادی مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفته و به موجب این قانون جزئی از قوانین داخلی و لازم‌الاتباع گردید که بنابر نظر برخی حقوق‌دانان، اینگونه معاهدات هرچند جزئی از حقوق و قوانین داخلی هستند ولی برتر از قوانین عادی بوده و در سلسله مراتب بین هنجارهای حقوق‌داخلی بایستی پس از قانون اساسی و قبل از قانون عادی قرار گیرند.(شریعت‌باقری، ۱۳۹۰: ۲۸۴)

دولت‌ها در این میثاق متعهد به اجرای حقوق مذکور در این میثاق،از طریق قانون‌گذاری و دیگرشیوه‌ها_برای مثال تفسیر یا تصویب‌نامه‌ها یا ..._ شده‌اند تا حقوق مذکور در آن را به منصه اجرا بگذرند[۳۱] هرچند نقض این حقوق به وسیله اشخاصی باشد که در اجرای وظیفه رسمی خود عمل می‌نمایند.[۳۲]یکی از حقوق مذکور در این میثاق،جبران خسارت از محکومان بی‌گناه است[۳۳] که اجرای این حق به نحو موثر،اقتضاء تفسیری را دارد که ذکر گردید.

۳-نظریه عمومی تصحیح اشتباه

این نظریه که به عنوان نظریه‌ای عمومی و برای تمامی سطوح سیاست‌گذاری،تقنینی،تفسیری،قضایی و اجرای قوانین در حقوق ایران مطرح می‌شود بر آنست هر اشتباهی در هر سطحی بایستی تصحیح بشود(درویش‌زاده،۱۴۰۴: ۱۱۵) و یکی از مجاری تحقق این نظریه را اصل۱۷۱ قانون اساسی می‌داند.(همان،ص۱۳۲)به عنوان تکمله این نظریه می‌توان گفت صرف تصحیح رای موثر در حقوق زیان‌دیده نمی‌باشد و با بسط این نظریه بایستی در پی یافتن تفسیری از اصل ۱۷۱ قانون اساسی باشیم که تصحیح اشتباه و جبران خسارت از او را هم به نحو مطلوبی در عمل تضمین نماید.

---

[۳۱] - بند دوم ماده دوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
[۳۲] - قسمت الف بند سه ماده دوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
[۳۳] - بند ششم ماده۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

۴- قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» / «الخراج بالضمان»

این قاعده که از آن به «الغُنمُ بالغُرمِ» و « مَن کانَ الربحُ له کانَ الخُسرانُ علیه» و «الخراج بالضمان» نیز تعبیر کرده‌اند(الزحیلی،۱۴۲۹: ۲۱۵)،عبارت است از اینکه کسی که منافع مال از آنِ اوست،زیان مال نیز برعهده او خواهد بود.غُنم به معنای سود و منفعت و غُرم به معنای ضرر و زیان است.بنابراین،مفاد قاعده چنین خواهد بود که بین منفعت و زیان تلازم است؛ بدین معنا که هر کس منافع مال از اوست، ضرر و زیان مال متوجه او خواهد بود و بالعکس.(مؤسّسه دائره المعارف فقه اسلامی،۱۳۸۵: ٤٢٦ ج٦.)

صورت‌بندی دیگری از این قاعده همانست که در نوشته‌های حقوق‌دانان ایرانی ذکر گردیده که ایشان معتقددند نگاه ملکران و مجموعه حاکمیتی بایستی آبادانی ملک باشد.(جعفری‌تبار،۱۴۰۴ :۱۶۸)

بنابراین؛ همانگونه که جامعه از عدالت‌گستری و دادخواهی قضات بهره می‌برد بالتبع بایستی زیان‌های ناشی از آن را نیز تحمل نماید و دولت به قائم مقامی افراد جامعه به جبران خسارت ناشی از اشتباهات و تقصیرهای خرد ایشان بپردازد.

۵- اصل لزوم جبران کلیه خسارات

این اصل که بیان می‌دارد هر کس زیانی به دیگری وارد نماید، صرف نظر از نوع آن(مالی،معنوی،بدنی و جانی)، در صورت جمع بودن دیگر شرایط مسئولیت مدنی(فعل زیانبار و رابطه سببیت)، مکلف به جبران کامل همه خسارات خواهد بود(بابایی، ۱۳۸۴: ۴۶)، مورد پذیرش فقها و حقوق‌دانان قرار گرفته است.(مراغه‌ای، ۱۴۲۵: ۳۱۲؛ محقق‌داماد،۱۳۸۵: ۱۳۱؛ کاتوزیان،۱۴۰۴: ۱۵۶)

چنانچه بخواهیم بین قاضی و دولت قائل به انتخاب یکی جهت تأمین این اصل شویم بی‌گمان دولت از ظرفیت و منابع بیشتری جهت جبران کلیه زیان‌های وارده به محکوم ناروا برخوردار خواهد بود و این اصل به نحو مطلوب‌تری تحقق خواهد یافت.

6- قوانین و رویه قضایی

برخی نویسندگان با تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲به استناد ماده ۱۳و۴۸۶ قانون مجازات اسلامی[۳۴]و مواد ۱۴۵و۲۵۵قانون آئین دادرسی کیفری[۳۵] بر آن هستند که محدوده مسئولیت قضات گسترش یافته و

[۳۴] - ماده۱۳قانون‌مجازات‌اسلامی۱۳۹۲: «حکم به مجازات یا اقدام تامینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این‌صورت،خسارت از بیت المال جبران می‌شود.»
ماده۴۸۶ قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲: هرگاه پس از اجرای حکم قصاص، حد یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمه بدنی شده است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی،رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت‌المال

ابهامات اصل ۱۷۱قانون اساسی برطرف گردیده است.(شعبانی‌کندسری،۱۳۹۳: صص۸۶-۸۸) در حالی که با تدقیق در این مواد مشخص میشود آنچه بیان شده نه مصادیقی از تقصیر و اشتباه،بلکه مصادیقی از "حکم یا موضوع یا تطبیق حکم بر موضوع" هستند. به عبارت دیگر، این مواد در پی تبیین و توسعه مفاهیم تقصیر و یا اشتباه نیستند بلکه مصادیقی از خطای در احکام یا موضوعات یا تطبیق احکام بر موضوعات مندرج در اصل ۱۷۱قانون اساسی را بیان می‌کنند که منوطِ بر تقصیر قاضی، موجب مسئولیت وی خواهد بود.

همچنین ایشان انصراف اصطلاح تقصیر در اصل۱۷۱ را به تقصیرهای عمدی و سنگین صحیح ندانسته و شامل تمامی درجات تقصیر می‌دانند و در این طریق به عدم استعمال تقصیر در معنای تقصیر عمد یا سنگین در هیچ یک از قوانین، اطلاق و ظهور واژه تقصیر در ماده۱۳، درج عبارت«در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است ...» به این بیانکه در صورت ارتکاب فعل عمد از سوی قضات ایشان مسئولیت کیفری و مدنی داشته و در صورت تقصیر(به هر درجه که باشد) صرفا مسئولیت مدنی خواهند داشت، تنافی این نظر با مبنای مسئولیت مدنی قضات در فقه امامیه چرا که در فقه،تقصیر سبب مسئولیت قضات شده و بیت‌المال تنها در صورت خطای قضایی ضامن جبران خسارت خواهد شد تمسک می‌جویند.(پیشین،صص۹۰-۹۱)

در حالی که؛ اولا استناد به اطلاق فرع بر وجود مقدمات حکمت می‌باشد و از جمله آن مقدمات،عدم وجود قرینه بر تقیید و در مقام بیان بودن متکلم است(محقق‌داماد،۱۳۹۴:صص۱۷۳-۱۷۵) در حالی که با تبیین نظرات نمایندگان در مجلس بررسی قانون اساسی،مشخص شد که هیچ یک از این مقدمات وجود ندارد.[۳۶] استناد به ظهور نیز با همین تبیین مردود است چرا که مجرای اصل ظهور،حالتی است که قرینه‌ای بر معنای حقیقی و مدنظر متکلم وجود نداشته باشد.

ثانیا عبارت «عمد یا تقصیر» در ماده۱۳قانون مجازات موید نظر ما هم می‌باشد چرا که در صورت عمد، قاضی مسئولیت کیفری و مدنی داشته و در صورت ارتکاب تقصیر صرفا مسئولیت مدنی خواهد داشت چرا که مطابق نظر مطروحه، در این ماده تقصیر به تقصیر سنگین انصراف دارد. ماده ۳۳۵ قانون مدنی نیز با به کار بردن عمد و مسامحه و سپس تقصیر و مسامحه

را صادر و پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضایی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود.در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در کتاب پنجم«تعزیرات» و بازگرداندن دیه به بیت‌المال محکوم می‌شود.

[۳۵] - ماده ۱۴۵قانون آئین دادرسی کیفری:در صورتی که متصرف منزل ومکان یا اشیای مورد بازرسی، از باز کردن محلها و اشیای بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آنها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود. تبصره(اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴)- در صورتی که در اجرای این ماده، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت صادر شود، همچنین مواردی که امتناع کننده شخص مجرم نباشد حتی اگر موضوع به صدور قرار جلب به دادرسی یا محکومیت متهم منجر شود، دولت مسئول جبران خسارت است، مگر آنکه تقصیر بازپرس یا سایر ماموران محرز شود که در این صورت،دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس یا مأموران مقصر مراجعه می‌نماید.

ماده۲۵۵قانون آئین دادرسی کیفری: اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

[۳۶] -در این باره ر.ک همین مقاله صص۱۴-۱۵

و معادل دانستن این دو به تساوی مفهوم تقصیر و عمد نظر داشته است.[۳۷] همچنین ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلّفات اداری مصوب[۳۸]۱۳۶۵، تقصیر را به نقض عمدی قوانین و مقررات اداری تعریف کرده است.

ثالثا لغویون لغت «اخطأ» در روایت « انّ ما اخطأت القضات فی دمٍ او قطعٍ فعلی بیت المال المسلمین»که مبنای مسئولیت مدنی قضات می‌باشد «اخطأ» را به معنای اشتباه غیرعمدی گرفته‌اند و حتی ابن‌اثیر در النهایه آن را به گونه‌ای معنا کرده که شامل اشتباه عمدی می‌شود.(ابن‌اثیر،۱۴۱۷ج۲: ۱۴۴)هرچند به تصریح نویسندگان به طور قاطع نمی‌توان گفت هرجا واژه خطا و مشتقات آن به کار رفته باشد به این معنا می‌باشد ولی آنچه مسلم است آنکه باتوجه به امارات و قواعدفقهی این روایت شامل خطای عمدی نمی‌شود.(صالحی‌مازندرانی، ۱۳۹۰: ۱۱)

رویه قضایی نیز به این معنا توجه داشته چنانکه در یکی از آراء صادره از شعبه ۲۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران به شماره ۵۶۲ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱ می‌خوانیم:«... و نیز ضمان و مسئولیت قاضی نسبت به احکام صادره از ناحیه وی پس از تشخیص تقصیر او به عمد و یا در حکم عمد قابل پذیرش است و آن پس از احراز تخلف در مرجع و دادگاه انتظامی قضات قابل بررسی است...». (به نقل از میرشکاری، ۱۴۰۲: ۷۷۰)

Accepted | Awaiting Publication | Draft | ویراستاری‌نشده | نسخه‌ی اولیه | انتشار

---

[۳۷] - ماده ۳۳۵ قانون مدنی: در صورت تصادم بین دوکشتی یا دو قطار راه‌آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود.

[۳۸] - ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۶۵: تخلّفات اداری شامل تخلّفات انضباطی و اعمال خلاف اخلاق عمومی است اعم از اینکه ناشی از تقصیر یا قصور متخلّف باشد.
تقصیر- عبارت است از نقض عمدی قوانین و مقرّرات اداری
قصور-عبارت است از کوتاهی غیرعمدی در اجرای وظایف غیرعمدی.

نتیجه گیری:

چنانکه که گذشت تحولات بین المللی در زمینه جبران خسارت محکومانی که بی‌گناهی ایشان ثابت شده در حال تکاپو به سمت و سویی است که هم جبران خسارت از این به ظاهر محکومان به نحو کمال به عمل آید و هم استقلال قضات به درستی حفظ گردد.

با این تعابیر،با برداشتی جامع از قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران از جمله مشروح مذاکرات قانون اساسی،قاعده«الغنم بالغرم»و ... بایستی قائل به نظری شد که معنای تقصیر در اصل ۱۷۱قانون اساسی را متفاوت از معنای مصطلح آن در حقوق مسئولیت مدنی می‌داند و تقصیر مندرج در اصل۱۷۱قانون اساسی را منصرف به خطاهای عمدی و در حکم عمد(تقصیر سنگین) دانسته و دیگر اقسام تقصیر را ملحق اشتباه؛

در این حالت در صورتی که دادگاه عالی انتظامی قضات با تقصیری متوسط یا سبک یا خیلی سبک(در معنای حقوق مسئولیت مدنی)از سوی قاضی مواجه بشود بایستی این تقصیرات را در احراز تخلف قضات و دراین موارد، **اشتباه** در نظر بگیرد چرا که دعوای جبران خسارتی که پس از احراز این موضوع، در دادگاه عمومی مطابق ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات و اصل ۱۷۱ قانون اساسی مطرح میشود در صورتی که تشخیص دادگاه عالی بر " اشتباه" قاضی باشد علیه دولت طرح شده و بایستی دولت که ظرفیت و منابع بیشتری را در مقایسه باقاضی در اختیار دارد به جبران خسارت بپردازد.

برخی حقوق‌دانان از این نظر فراتر رفته‌اند و قائل‌اند قضات نیز مانند قانون‌گذار صلاحیت وضع و اعمال فرض‌های قضایی را دارند و می‌توانند فرض قضایی بسازند و در صورتی که در امر حکمی با قانونی مواجه هستند که به هیچ روی تن به تفسیر نمی‌دهد و قاضی ناگزیر باید مرّ قانون را اجرا کند و نمیخواهد چنین کند، قاضی[۳۹] می‌تواند به فرض قضایی متوسل بشود و با این فرض که امر موضوعی قضیه(تقصیر قاضی) اساسا رخ نداده قانون را نسبت به آن پرونده "سالبه به انتفاء موضوع" بداند و آن را ملحق به اشتباه نماید.(جعفری‌تبار، ۱۴۰۳: ۱۷)حال آنکه اساساً اصطلاح "اشتباه و تقصیر" در اصل مذکور باتوجه به مبانی پیش‌گفته، تاب تفسیری را که ذکر شد دارد.

[۳۹] -منظور قضات دادگاه عالی انتظامی قضات هستند چرا که ایشان‌اند که به احراز "اشتباه یا تقصیر" در مورد دیگر قضات می‌پردازند.

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. آشوری،محمد(۱۳۵۲)، لزوم جبران خسارت زندانیان بی‌گناه،مجله دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی،شماره۱۵و۱۶،سال۱۳۵۲.

۲. بابایی،ایرج(۱۳۸٤)، نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۷،شماره۱٦ ، سال۱۳۸٤

۳. باقری، محمود و هوشمند کوچی، جابر و نیکبخت منصور آبادی، منصوره (۱۳۹۷)، تقصیر سنگین و تخلف عمدی در موافقتنامه های عملیات مشترک نفتی با تاکید بر نظام حقوقی انگلستان، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۸ ، شماره ۹۳، بهار۱۳۹۷

۴. باریکلو، علیرضا، بادینی،حسن، خانجانی،محمدکاظم(۱۳۹۹)، جبران خسارت متهمان و محکومان بی‌گناه در نظام حقوقی ایران و کانادا. دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی،دوره هفتم،شماره دو،پاییز و زمستان،شماره پیاپی۱٤ ،

۵. جعفری‌تبار،حسن.(۱٤۰۳)، از این افسانه،در باب حقیقت و حقوق،فصلنامه علمی پژوهش حقوق خصوصی،دوره ۱۳ ،شماره٤۸ ،پاییز۱٤۰۳

۶. جعفری‌تبار، حسن، (۱٤۰٤)، سرو و ماه(فرّه همچون کشور)، مطالعات حقوق خصوصی،۵۵(۲). تابستان ۱٤۰٤.

۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱٤۰۰)، ترمینولوژی حقوق،چاپ سی‌وسوم،تهران: انتشارات گنج‌دانش.

۸. جواهر کلام، محمدهادی (۱٤۰۵)، جبران خسارتهای مادی و معنوی ناشی از ۱۱ سال حبس به ناحق؛ واکاوی تحلیلی - تطبیقی آراء شعب ۲۰ دادگاه عمومی تهران و ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان نشریه نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۵، شماره ۹. تابستان ۱٤۰۵.
https://doi.org/10.22034/analysis.2026.2083196.1183

۹. خدری، صالح (۱۳۸۹)، بررسی مسئولیت مدنی قاضی با مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا و فرانسه (قسمت اول)، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۰ ، شماره ٦۸، زمستان ۱۳۸۹.

۱۰. داورنیا،رحیم (۱۳۸۵)، مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا،فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،شماره۷٤،زمستان ۱۳۸۵

۱۱. درویش‌زاده، محمد (۱٤۰٤)، نظریه عمومی تصحیح اشتباه، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی،پژوهشکده حقوق و قانون ایران،دوره دوم،شماره سوم،بهار و تابستان ۱٤۰٤.
https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.726143

۱۲. رجبی، عبدالله، (۱٤۰۵)، مسئولیت مدنی بازداشت ناروا: حاشیه‌های بر رأی دادگاه، نشریه نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۵، شماره ۹ سال ۱٤۰۵.
https://doi.org/10.22034/analysis.2026.2080195.1164

۱۳. سعیدی،یاسمن، یاقوتی، ابراهیم (۱٤۰۳)، بررسی فقهی حقوقی اصل۱۷۱قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با حقوق انگلیس و ایالات متحده آمریکا.نشریه معرفت،سال سی و دوم شماره چهارم پیاپی۳۱۹،زمستان ۱٤۰۳.

۱۴. سلیمان‌زاده، سمیرا (۱٤۰٤)، شخصیت حقوقی،تاریخچه،مبانی و آثار، با تاکید بر بررسی تطبیقی شرکت‌های تجاری نظام حقوقی ایران و حقوق نوشته(فرانسه و آلمان)،فصلنامه تحقیق وتوسعه در حقوق تطبیقی،پژوهشکده حقوق و قانون ایران،دوره۸،شماره ۲٦،بهار ۱٤۰٤.

۱۵. شعبانی کندسری،هادی(۱۳۹۳)، تحول مسئولیت مدنی قضات در حقوق ایران؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و فرانسه، مجله پژوهشهای حقوق خصوصی،شماره٤ ،نیمسال دوم ۱۳۹۳

۱۶. شریعت‌باقری، محمدجواد(۱۳۹۰)، برتری معاهدات بین‌المللی نسبت به قوانین عادی، مجله تحقیقات حقوقی، دوره۱٤،شماره٥٦، اسفند ۱۳۹۰

۱۷. شمس، عبدالله (۱۳۹٤) آیین دادرسی مدنی،دوره پیشرفته. جلد دوم. تهران: انتشارت دراک

۱۸. صالحی مازندرانی، محمد(۱۳۸٤)، تاملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱قانون اساسی،مجله فقه و حقوق،شماره۷، سال ۱۳۸٤

۱۹. صالحی‌مازندرانی،محمد(۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی دولت از دیدگاه فقهی،مجله حقوق اسلامی،سال هشتم،شماره ۳۰،پاییز۱۳۹۰

پذیرفته شده در انتظار انتشار | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

۲۰. صالحی مازندرانی،محمد(۱٤۰۳)، مطالعه تطبیقی شیوه های رسیدگی به تخلفات قاضی در کشورهای رومی-ژرمنی،کامن لا و عربی،مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱ (۱) سال ۱٤۰۳

۲۱. صفائی، سید حسین، (۱۳٦٤)، مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرایط عدم مسئولیت، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۹، شماره ۱۱ (پاییز و زمستان)، پاییز۱۳٦٤

۲۲. صفایی، سید حسین، راضی، سپیده،(۱۳۹۹)، مسئولیت مدنی قاضی و تحول آن در فقه و حقوق ایران و فرانسه، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۳، مهر۱۳۹۹

۲۳. صفایی،سیدحسین و رحیمی،حبیب‌الله (۱٤۰۰) مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)،تهران:انتشارات سمت،پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

۲۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران(جلسه پنجاه و یکم تا شصت و هفتم).(۱۳٦٤)جلد سوم،چاپ اول، تهران:اداره کل امورفرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی

۲۵. کاتوزیان،ناصر(۱٤۰٤)، الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی(قواعد عمومی)، جلد اول، چاپ ششم،انتشارات گنج دانش سال ۱٤۰٤

۲۶. کنارکوهی، احمدرضا. (۱٤۰۱). جبران خسارت بی‌گناهان، تأمّلی در حقوق ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی. تهران: انتشارات امجد، سال ۱٤۰۱

۲۷. محقق‌داماد،مصطفی (۱۳۸۵)، قواعد فقه(بخش‌مدنی)، چاپ ۱٤، تهران:مرکز نشر علوم اسلامی.

۲۸. محقق‌داماد،سیدمصطفی (۱۳۹٤)، مباحثی از اصول فقه،دفتراول، مباحث الفاظ، مرکز نشر علوم اسلامی،۱۳۹٤.

۲۹. مرادی، مجید (۱۳۸۹)، خسارت زدایی از متهمان و محکومان بی‌گناه، پایان نامه دوره کارشناسی‌ارشد،دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی دانشگاه علامه‌طباطبایی.

۳۰. میرشکاری، عباس (۱٤۰۲)، رساله عملی در مسئولیت مدنی، چاپ ششم، تهران:شرکت سهامی انتشار.

۳۱. هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۷۸)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران،اصول و مبانی کلی نظام،جلد اول تهران:نشر دادگستر.

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

۳۲. هاشمی شاهرودی، محمود(۱۳۸۵). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السّلام، چاپ دوم، جلد سوم و جلد ششم، قم: انتشارات مؤسّسه دائرة المعارف فقه اسلامی، تابستان ۱۳۸۵.

منابع عربی

۳۳. ابن اثیر،مبارک‌بن ابی کرم(۱۴۱۷)،النهایه فی غریب الحدیث،جلددوم، بیروت: دار احیاء التراث‌العربی،۱۴۱۷ه.ق

۳۴. الزحیلی، وهبه(۱٤۲۹)، نظریه الضمان،چ۲، ۱٤۲۹ ه.ق، دمشق:دارالفکر.

۳۵. راغب اصفهانی،ابی‌القاسم الحسین ابن محمد(بی‌تا)، المفردات فی غریب القرآن.

۳۶. مراغه‌ای،عبدالفتاح (۱٤۲۵ ه.ق)، العناوین،چاپ ۲،جلد۹، قم:انتشارات موسسه نشر اسلامی.

منابع آنلاین

۳۷. سایت پژوهشکده باقر العلوم (pajoohe.ir)

۳۸. لغت‌نامه آنلاین دهخدا (https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary)

۳۹. لغت‌نامه آنلاین معین(https://abadis.ir/moeen/)

۴۰. دیکشنری آنلاین دانشگاه آکسفورد(www.oxfordlearnersdictionaries.com)

References

1. Adida-Canac, H. (2009). L'erreur du juge: entre ré paration, indemnisation et responsabilité . *Recueil Dalloz*. (In French).
2. Ashouri, M. (1973). The obligation to compensate wrongfully imprisoned persons. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, (15-16). (In Persian).
3. Babaei, I. (2005). A critique of the principle of compensability of all damages in Iranian civil liability law. *Public Law Research Quarterly*, 7(16). (In Persian).
4. Bagheri, M., Houshmand Kouchi, J., & Nikbakht Mansourabadi, M. (2018). Gross negligence and wilful misconduct in joint petroleum operations agreements, with emphasis on the English legal system. *Judiciary Quarterly*, 18(93). (In Persian).

5. Baqer al-Ulum Research Institute. (n.d.). *Baqer al-Ulum Research Institute website*. https://pajoohe.ir (In Persian).
6. Barikloo, A., Badini, H., & Khanjani, M. K. (2020). Compensation for innocent suspects and convicted persons in the Iranian and Canadian legal systems. *Comparative Law Quarterly*, 7(2), Issue 14. (In Persian).
7. Bernhard, A. (2009). A short overview of the statutory remedies for the wrongly convicted: What works, what doesn't and why. *Boston University Public Interest Law Journal*, 18.
8. Darvishzadeh, M. (2025). An Essay on the General Theory of Error Correction. Research and Development in Public Law, 2(3), 111-170. https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.726143 (In Persian).
9. Davarnia, R. (2006). Civil liability of judges under the laws of Italy, France, the United States of America, and Iran. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, (74). (In Persian).
10. Dehkhoda Online Dictionary. (n.d.). *Dehkhoda Dictionary*. https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary (In Persian).
11. Encarnacion, E. (2016). Why and how to compensate exonerees. *Michigan Law Review First Impressions*, 114.
12. Gutman, J. S. (2017). An empirical reexamination of state statutory compensation for the wrongly convicted. *Missouri Law Review*, 49.
13. Haley, J. O. (2006). The civil, criminal and disciplinary liability of judges. *The American Journal of Comparative Law*, 54.
14. Hashemi, S. M. (1999). *Constitutional law of the Islamic Republic of Iran: General principles and foundations of the political system* (Vol. 1). Dadgostar Publications. (In Persian).
15. Hashemi Shahroudi, M. (2006). *Encyclopedia of jurisprudence according to the school of Ahl al-Bayt (peace be upon them)* (2nd ed., Vols. 3 & 6). Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia Publications. (In Persian).
16. Ibn al-Athir, M. ibn A. K. (1996). *Al-Nihaya fi Gharib al-Hadith* (Vol. 2). Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic).
17. Innocence Project. (2009). *Making up for lost time: What the wrongfully convicted endure and how to provide fair compensation*.

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

18. Jafari Langroudi, M. J. (2021). *Legal terminology* (33rd ed.). Ganj-e Danesh Publications. (In Persian).

19. Jafari Tabar, H. (2024). From this myth: On truth and law. *Private Law Research Quarterly*, 13(48). (In Persian).

20. Jafari Tabar, H. (2025). The cypress and the moon (Farr as the country). *Private Law Studies*, 55(2). (In Persian).

21. Javaherkalam, M. H. (2026). Moral and material compensation arising out of eleven years of wrongful imprisonment: An analytical-comparative examination of judgments rendered by Branch 20 of the Tehran Public Civil Court and Branch 25 of the Tehran Provincial Appellate Court. *The Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions*, 5(9). https://doi.org/10.22034/analysis.2026.2083196.1183 (In Persian).

22. Joly-Hurard, J. (2006). La responsabilité civile, pénale et disciplinaire des magistrats. *Revue internationale de droit comparé*, 58. (In French).

23. Kahn, D. S. (2010). Presumed guilty until proven innocent: The burden of proof in wrongful conviction claims under state compensation statutes. *University of Michigan Journal of Law Reform*, 44(1). https://repository.law.umich.edu/mjlr/vol44/iss1/4

24. Katoozian, N. (2026). *Non-contractual obligations: Civil liability (General principles)* (Vol. 1, 6th ed.). Ganj-e Danesh Publications. (In Persian).

25. Kenarkouhi, A. R. (2022). *Compensation for the innocent: A reflection on Iranian and American law and international instruments*. Amjad Publications. (In Persian).

26. Khedri, S. (2010). An examination of the civil liability of judges: A comparative study of American and French law (Part I). *Judiciary Quarterly*, 10(68). (In Persian).

27. Mandery, E. J., Shlosberg, A., West, V., & Callaghan, B. (2013). Compensation statutes and post-exoneration offending. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 103.

28. Maraghei, A. F. (2004). *Al-Unwan* (Vol. 9, 2nd ed.). Institute of Islamic Publications. (In Arabic).

29. Mirshakari, A. (2023). *A practical treatise on civil liability* (6th ed.). Sherkat-e Sahami-ye Enteshar. (In Persian).

30. Mohaghegh Damad, S. M. (2006). *Jurisprudential principles (Civil section)* (14th ed.). Center for the Publication of Islamic Sciences. (In Persian).

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

31. Mohaghegh Damad, S. M. (2015). *Topics in the principles of Islamic jurisprudence: Volume One, verbal discussions*. Center for the Publication of Islamic Sciences. (In Persian).

32. Moein Online Dictionary. (n.d.). *Moein Dictionary*. https://abadis.ir/moein/ (In Persian).

33. Moradi, M. (2010). *Compensation for innocent suspects and convicted persons* [Master's thesis, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University]. (In Persian).

34. Oxford University Press. (n.d.). *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. https://www.oxfordlearnersdictionaries.com

35. Raghib al-Isfahani, A. al-Q. al-H. ibn M. (n.d.). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. (In Arabic).

36. Rajabi, A. (2026). Civil liability for wrongful detention: Notes on a court judgment. *The Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions*, 5(9). https://doi.org/10.22034/analysis.2026.2080195.1164 (In Persian).

37. Saeedi, Y., & Yaghouti, E. (2024). A jurisprudential and legal examination of Article 171 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran in comparison with English and United States law. *Ma'rifat Journal*, 32(4), Serial No. 319. (In Persian).

38. Salehi Mazandarani, M. (2005). A reflection on the civil liability of judges under Article 171 of the Constitution. *Jurisprudence and Law Journal*, (7). (In Persian).

39. Salehi Mazandarani, M. (2011). State civil liability from a jurisprudential perspective. *Islamic Law Journal*, 8(30). (In Persian).

40. Salehi Mazandarani, M. (2024). A comparative study of procedures for addressing judicial misconduct in Romano-Germanic, common law, and Arab countries. *Comparative Studies of Islamic and Western Law Journal*, 11(1). (In Persian).

41. Safaei, H. (1985). The concept of gross negligence in relation to exemption from liability conditions. *International Legal Journal*, 9(11). (In Persian).

42. Safaei, H., & Rahimi, H. (2021). *Civil liability (Non-contractual obligations)*. SAMT Publications, Institute for Research and Development in the Humanities. (In Persian).

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

43. Safaei, H., & Razi, S. (2020). Civil liability of judges and its development in Iranian and French jurisprudence and law. *Comparative Studies of Islamic and Western Law Journal*, 7(3). (In Persian).

44. Schuck, P. H. (1998). The civil liability of judges in the United States. *The American Journal of Comparative Law*, 37(4).

45. Shabani Kandsari, H. (2014). The evolution of judges' civil liability in Iranian law: A comparative study of Islamic and French law. *Private Law Research Journal*, (4). (In Persian).

46. Shams, A. (2015). *Civil procedure: Advanced course* (Vol. 2). Derak Publications. (In Persian).

47. Shariat-Bagheri, M. J. (2011). The superiority of international treaties over ordinary laws. *Legal Research Journal*, 14(56). (In Persian).

48. Soleyman-Zadeh, S. (2025). Legal personality: History, foundations, and effects, with emphasis on a comparative study of commercial companies in the Iranian and continental legal systems (France and Germany). *Research and Development in Comparative Law Quarterly*, 8(26). Research Institute of Law and Legislation of Iran. (In Persian).

49. Supreme Council of the Islamic Republic of Iran. (1985). *Detailed minutes of the deliberations of the Assembly for the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (Sessions 51-67)* (Vol. 3, 1st ed.). General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly. (In Persian).

50. Viney, G. (1982). *La responsabilité: Conditions*. In J. Ghestin (Ed.), *Traité de droit civil* (Vol. 1). Paris. (In French).

51. Zuhayli, W. (2008). *Nazariyyat al-Daman* (2nd ed.). Dar al-Fikr. (In Arabic)

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited